

## سوختن

افتاده ام بدام توای سیمتن چه خوش  
زلف تو بسته پای مرا در رسن چه خوش  
دل بر شرار شعله چوپروانه داده ام  
پر لذت است پیش تو شمع سوختن چه خوش

از دستبرد ساق تو دامن زد دست رفت  
کوته شد ست در برت این پیرهن چه خوش  
صد جلوه رنگ بر رنگ گل میدود ز شید  
افسونگریست شیوه دخت چمن چه خوش

آسیمه سر ز سوسه بوسه لبش  
افتاده ام به فتنه چاه ذقن چه خوش  
لب بر لبش نهاده بد م شب تمام شب  
یک بوسه داده رخصتم از آن دهن چه خوش

گلبرگهای نا ز تو بر بستم فتاد  
دیوانه ام زبوی توای گلبدن چه خوش  
مشکن ز شانه حلقه گیسو و دام زلف  
" شیرنگ تابدار ترا صد شکن چه خوش "

" از محب " \*\*\*  
\*\*